

عملکرد در حوزه اقتصاد و اشتغال را با شاخص مشارکت اقتصادی بسنجیم

تمرکز تنش‌های اجتماعی و امنیتی در مناطقی با تعداد بیکاران بیشتر



دارد. به عنوان مثال یک شاخص تشخیص نقطه بحرانی، نسبت بیکاری جوانان به نرخ بیکاری میانگین کشور است. هر قدر نرخ بیکاری جوانان در یک منطقه‌ای از دو برابر میانگین آن بیشتر شود، بیشتر در معرض بروز تنش قرار می‌گیرد.

در شرایطی که اکنون اقتصاد کشور در آن قرار دارد، اقتصاد استان‌هایی که دارای ظرفیت چندبخشی (کشاورزی، صنعت و خدمات) هستند، دارای انعطاف‌پذیری بیشتری در مقابل تنش‌های اقتصادی هستند و ظرفیت ایجاد اشتغال و مدیریت تنش‌ها در آنها بیشتر است. شاخص دیگر در سنجش وضعیت تنش حاصل از شرایط اشتغال، نرخ «هیبت» NEET است. نیت‌ها عبارتند از کسانی و قاعدتا جوانانی که نه شاغلند و نه در حال آموزش رسمی و غیررسمی هستند. میانگین نرخ نیت در ایران بیش از ۳۰ درصد میانگین نرخ نیت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال گذار حدود ۱۰ درصد است.

از کل جمعیت بیش از ۱۶ میلیون نفری جوانان کشور ایران، بیش از ۶ میلیون نفر (۳۸ درصد جمعیت جوان)، غیرشاغل و غیرمحصل هستند و در حال آموزش مهارتی هم نیستند. به نوعی این بخش از جامعه در فرآیند تولید ملی هیچ نقشی ندارد. مهم‌تر آنکه عمده غیرفعالان اقتصادی جوانان را زنان تشکیل می‌دهند. مطالعات دقیق‌تر نشان می‌دهند که نرخ بالای بیکاری جوانان (بالای ۲ برابر میانگین بیکاری کشور) و نرخ بالای نیت‌ها در مناطقی مشاهده می‌شود که در دوره‌های اخیر بیشترین تنش‌ها در آن مناطق تمرکز بوده است.

به این ترتیب، در بحث ایجاد اشتغال در شرایط فعلی کشور، توجه سیاست‌گذاران و نخبگان را به این موضوع جلب می‌کنم که امکان تداوم ایجاد اشتغال به روش دولت یازدهم و دوازدهم بسیار کم شده و بدون سیاست‌گذاری‌ها و ایده‌های خلاقانه و نیز بر گرداندن قطار به ریل مطلوب ظرفیت جدیدی از اشتغال شکل نمی‌گیرد. در درازمدت برای ایجاد اشتغال نیازمند رشد اقتصادی و مهم‌م و نگران‌کننده اینکه ایجاد اشتغال در حوزه کشاورزی و صنعت در تمامی گزارش‌های فصلی مرکز آمار ایران منفی و در یک مورد (بخش صنعت در تابستان ۱۴۰۱) صفر بوده است که به معنای عدم توفیق در سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا در بخش‌های صنعت و کشاورزی است. همچنین با همه این فرایندهای طی شده، هنوز به تعداد اشتغال پایان سال ۹۸ هم نرسیده‌ایم.

پیوند اشتغال با مسائل اجتماعی، سیاسی و امنیتی

ریبعی در ادامه این مطلب نوشت: اشتغال صرفاً یک مسأله اقتصادی نیست و با مسائل اجتماعی و سیاسی پیوند خورده اما در سال‌های اخیر

یک شاخص تشخیص نقطه بحرانی، نسبت بیکاری جوانان به نرخ بیکاری میانگین کشور است. هر قدر نرخ بیکاری جوانان در یک منطقه‌ای از دو برابر میانگین آن بیشتر شود، بیشتر در معرض بروز تنش قرار می‌گیرد

نسبت آن با مسائل امنیتی شدت بیشتری پیدا کرده است. به عنوان مثال برای انداز، ناچار از توجه دادن به این امر هم هستیم که بسیاری از تنش‌های پیش آمده در کشور در سال‌های اخیر و حتی در آینده متاثر از مسأله بیکاری، بدن توجه به اعداد و ارقام است. مطالعات نشان می‌دهند که تنش‌های اجتماعی و امنیتی در مناطق با تعداد بیکاران بیشتر، تمرکز

درباره سال ۱۴۰۱ نیز با استناد به گزارش پایان زمستان مرکز آمار، تعداد اشتغال جدید ایجاد شده در این بازه زمانی معادل ۲۶۳ هزار نفر است. براساس آمار مرکز آمار ایران، سهم عمده اشتغال در این بازه زمانی در بخش خدمات بسوده که احتمالاً می‌تواند ناشی از گسترش خدمات توزیعی متأثر از شرایط کرونا باشد (البته برای تحلیل دقیق نیازمند ریزداده‌ها هستیم). نکته کلیدی و مهم و نگران‌کننده اینکه ایجاد اشتغال در حوزه کشاورزی و صنعت در تمامی گزارش‌های فصلی مرکز آمار ایران منفی و در یک مورد (بخش صنعت در تابستان ۱۴۰۱) صفر بوده است که به معنای عدم توفیق در سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا در بخش‌های صنعت و کشاورزی است.

همچنین با همه این فرایندهای طی شده، هنوز به تعداد اشتغال پایان سال ۹۸ هم نرسیده‌ایم. با نگاهی منصفانه به ۴ دوره مورد بررسی، می‌توان ادعا کرد که در دوره اول (یعنی ۷۶ تا ۸۴) اشتغال ایجاد شده از نوع باکیفیت و پایدار، روی ریل رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش صنعت بوده است. رویکرد ایجاد اشتغال در بازه ۸۴ الی ۹۲، تمرکز بر کاهش فشار ورود جمعیت در سن کار به بازار کار و تمرکز به ایجاد اشتغال در نگاه‌های خرد و کوچک از طریق پول‌پاشی و کسب‌وکارهای پایداری اشتغال از طریق سیاست‌گذاری به منظور افزایش سیاست‌گذاری توسعه‌محور بوده است. در دولت یازدهم و دوازدهم، بسا وقوع بحران و سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی و در نتیجه افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و کارآفرینان داخلی برای سرمایه‌گذاری، شاهد اشتغال‌های باکیفیت بودیم. با شروع تحریم‌های ترامپی، روند اشتغال پایدار دچار آسیب شد. در این شرایط تمرکز آگاهانه به بخش غیررسمی و نگاه‌های خرد بود که برای گذار از دوره تحریم و رکود در دستور کار قرار گرفت که البته این روش، براساس تجربه جهانی نمی‌تواند به صورت درازمدت مورد استفاده قرار گیرد.

افزایش اشتغال در نگاه‌های دارای ۱ تا ۴ نفر کارکن است که نشان‌دهنده اشتغال در بخش‌های غیر سازمان یافته، غیرشرکتی، غیرکارخانه‌ای و کاربر است که برای دوره تحریم و رکود تنها راه بوده است.

حدود ۷۵ درصد از اشتغال افزوده شده در بخش خدمات محقق شده است.

۳۰ درصد از شاغلان افزوده شده در این دوره دارای اشتغال ناقص هستند

۷۰ درصد از شاغلان اضافه‌شده در این دوره کارکنان مستقل هستند یعنی افرادی که مزد و حقوق بگیر نیستند

حدود ۵۰ درصد از اشتغال افزوده شده در این دوره را زنان تشکیل می‌دهند.

حدود ۵۰ درصد از شاغلان افزوده شده در این دوره دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

۳۵ درصد از شاغلان افزوده شده دارای بیمه به واسطه شغل خود هستند که نشان‌دهنده اشتغال کم‌کیفیت و غیررسمی در دوره تحریم است.

دوره چهارم از اواخر سال ۹۸ به این سو بررسی می‌شود. رویکرد دولت در دوره سوم که مبتنی بر ایجاد اشتغال در نگاه‌های خرد و کوچک بوده، اساساً یک سیاست قابل استفاده به مدت حداکثر ۳ تا ۴ سال بود اما با شیوع ویروس کرونا، تعداد اشتغال در نفری شد و عوارض رکود اقتصادی با سرعت و صورت دیگری بروز کرد. در ادامه نیز شدت تحریم‌ها در کنار فقدان دانش و سیاست‌گذاری بازار کار سبب شد تا عملاً در سال ۱۴۰۰ شاهد افزایش صرفاً اشتغال جدید ۳۸ هزار نفری باشیم.

البته نیمی از جمعیت بیکار شده در دوره کرونا (یعنی حدود ۷۲۰ هزار نفر) تحت پوشش بیمه بوده‌اند. بخشی از این افراد براساس داده‌های تأمین اجتماعی در اواخر سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به تدریج به بازار کار برگشته‌اند. داده‌های تأمین اجتماعی نشان‌دهنده ۹۰ هزار بیمه‌شده در سال ۱۴۰۰ است (که ظاهراً توسط یکی از مسئولین وقت به عنوان اشتغال قطعی ایجاد شده در نظر گرفته شده است). در حالی که عملاً فقط ۳۵ هزار نفر به دلیل بازنشستگی از این تعداد کم شدند. با کسر بیکارشدگان عملاً به عددی نزدیک داده‌های مرکز آمار می‌رسیم که نشان‌دهنده افزایش فقط ۳۸ هزار نفری در تعداد شاغلین در سال ۱۴۰۰ بوده است).

۱. در دوره اول یعنی از سال ۷۶ تا ۸۴ تعداد شاغلین کشور از ۱۴۸ میلیون نفر به ۲۰۶ میلیون نفر می‌رسد و نرخ مشارکت از ۳۴.۷ به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره رشد اقتصادی به طور متوسط ۴.۵ درصد بوده است.

۲. در دوره دوم یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰ در یک سو بخش عمده متولدین دهه ۶۰ (اوج رشد جمعیت) که در آستانه ورود به بازار کار هستند به دلیل سیاست‌گذاری‌های انجام شده و هدایت این گروه جمعیتی به آموزش عالی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند. از سوی دیگر، در این دوره بارشده اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و نه رشد حاصل از توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر مواجه بوده‌ایم. در پایان این دوره نه تنها توفیقی در ایجاد اشتغال نداشته‌ایم که براساس گزارش مرکز آمار، تعداد اشتغال ایجاد شده حدود ۱۴۰۰۰ نفر بوده و نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۴۱ درصد به ۳۹.۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته است.

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

حدود ۸۰ درصد از اشتغال افزوده شده در این دوره مربوط به

توجه به الزامات رشد از قبیل حل مسائل سیاست خارجی، ایجاد امید و فضای اطمینان بخش در داخل در کنار افزایش نرخ مشارکت و گشایش تمام ظرفیت‌ها از جمله پلتفرم‌ها برای اشتغال‌زایی ضروری است

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

۱. در دوره اول یعنی از سال ۷۶ تا ۸۴ تعداد شاغلین کشور از ۱۴۸ میلیون نفر به ۲۰۶ میلیون نفر می‌رسد و نرخ مشارکت از ۳۴.۷ به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره رشد اقتصادی به طور متوسط ۴.۵ درصد بوده است.

۲. در دوره دوم یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰ در یک سو بخش عمده متولدین دهه ۶۰ (اوج رشد جمعیت) که در آستانه ورود به بازار کار هستند به دلیل سیاست‌گذاری‌های انجام شده و هدایت این گروه جمعیتی به آموزش عالی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند. از سوی دیگر، در این دوره بارشده اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و نه رشد حاصل از توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر مواجه بوده‌ایم. در پایان این دوره نه تنها توفیقی در ایجاد اشتغال نداشته‌ایم که براساس گزارش مرکز آمار، تعداد اشتغال ایجاد شده حدود ۱۴۰۰۰ نفر بوده و نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۴۱ درصد به ۳۹.۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته است.

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

۱. در دوره اول یعنی از سال ۷۶ تا ۸۴ تعداد شاغلین کشور از ۱۴۸ میلیون نفر به ۲۰۶ میلیون نفر می‌رسد و نرخ مشارکت از ۳۴.۷ به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره رشد اقتصادی به طور متوسط ۴.۵ درصد بوده است.

۲. در دوره دوم یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰ در یک سو بخش عمده متولدین دهه ۶۰ (اوج رشد جمعیت) که در آستانه ورود به بازار کار هستند به دلیل سیاست‌گذاری‌های انجام شده و هدایت این گروه جمعیتی به آموزش عالی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند. از سوی دیگر، در این دوره بارشده اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و نه رشد حاصل از توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر مواجه بوده‌ایم. در پایان این دوره نه تنها توفیقی در ایجاد اشتغال نداشته‌ایم که براساس گزارش مرکز آمار، تعداد اشتغال ایجاد شده حدود ۱۴۰۰۰ نفر بوده و نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۴۱ درصد به ۳۹.۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته است.

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

۱. در دوره اول یعنی از سال ۷۶ تا ۸۴ تعداد شاغلین کشور از ۱۴۸ میلیون نفر به ۲۰۶ میلیون نفر می‌رسد و نرخ مشارکت از ۳۴.۷ به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره رشد اقتصادی به طور متوسط ۴.۵ درصد بوده است.

۲. در دوره دوم یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰ در یک سو بخش عمده متولدین دهه ۶۰ (اوج رشد جمعیت) که در آستانه ورود به بازار کار هستند به دلیل سیاست‌گذاری‌های انجام شده و هدایت این گروه جمعیتی به آموزش عالی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند. از سوی دیگر، در این دوره بارشده اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و نه رشد حاصل از توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر مواجه بوده‌ایم. در پایان این دوره نه تنها توفیقی در ایجاد اشتغال نداشته‌ایم که براساس گزارش مرکز آمار، تعداد اشتغال ایجاد شده حدود ۱۴۰۰۰ نفر بوده و نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۴۱ درصد به ۳۹.۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته است.

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

۱. در دوره اول یعنی از سال ۷۶ تا ۸۴ تعداد شاغلین کشور از ۱۴۸ میلیون نفر به ۲۰۶ میلیون نفر می‌رسد و نرخ مشارکت از ۳۴.۷ به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره رشد اقتصادی به طور متوسط ۴.۵ درصد بوده است.

۲. در دوره دوم یعنی از سال ۸۴ تا ۹۰ در یک سو بخش عمده متولدین دهه ۶۰ (اوج رشد جمعیت) که در آستانه ورود به بازار کار هستند به دلیل سیاست‌گذاری‌های انجام شده و هدایت این گروه جمعیتی به آموزش عالی وارد جمعیت فعال نمی‌شوند. از سوی دیگر، در این دوره بارشده اقتصادی حاصل از درآمدهای نفتی و نه رشد حاصل از توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های مؤثر مواجه بوده‌ایم. در پایان این دوره نه تنها توفیقی در ایجاد اشتغال نداشته‌ایم که براساس گزارش مرکز آمار، تعداد اشتغال ایجاد شده حدود ۱۴۰۰۰ نفر بوده و نرخ مشارکت اقتصادی نیز ۴۱ درصد به ۳۹.۶ درصد در سال ۹۰ کاهش یافته است.

۳. در دوره سوم یعنی از سال ۹۱ تا ۹۸ در خلاف دوره دوم یک روند صعودی در تعداد شاغلان به ویژه از ۱۳۹۳ به بعد رخ می‌دهد و نتیجه آن اضافه شدن ۴.۲ میلیون نفر به تعداد شاغلین کشور است. این دوره را باید به دو بخش با برجام و تحریم ترامپی تفکیک کرد. در دوره برجام شاهد افزایش نرخ رشد اقتصادی بودیم تا جایی که در سال ۹۵ اقتصاد ایران رشد بالای ۱۲ درصد را تجربه کرد. در این دوره شاهد ایجاد اشتغال‌های باکیفیت نیز بودیم. با شکوک‌های تحریمی ۹۶، نرخ رشد اقتصادی روند کاهنده گرفت و حتی به منفی و نزدیک به صفر نیز رسید. در این دوره نرخ تشکیل سرمایه نیز منفی شد. اشتغال ایجاد شده در این دوره مبتنی بر سیاست‌گذاری و جهت‌گیری‌های اتخاذ شده متناسب با تحریم‌های مشخصات زیر بوده است:

پس از انتشار گزارش اخیر مرکز آمار ایران درباره نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۱، مشخص شد که ادعای ایجاد بیش از یک میلیون شغل در سال گذشته که به کرات از سوی رئیس‌جمهور و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عنوان شده بود، ادعای درستی نبوده و دولت با ایجاد ۲۶۳ هزار شغل (تفاضل مشاغل ایجاد شده از مشاغل از بین رفته) تنها توانسته است که ۲۶ درصد از شعار اشتغال‌زایی خود را جامه عمل بپوشاند.

به گزارش «توسعه ایرانی»، با وجود انتشار این گزارش که از سوی نهاد رسمی و تحت کنترل دولت بوده، رسانه‌های همسود دولت و نیز مقامات دولت، همچنان از ادعاهای خود کوتاه نیامدند و با انتشار اعداد و ارقامی، سعی کردند عملکرد اشتغال‌زایی دولت خود را موفق نشان دهند و حتی با فراتر گذاشته و مدعی شدند دولت رئیسی احمدی‌نژاد و روحانی، عملکرد موفق‌تری در زمینه اشتغال‌زایی داشته است.

در همین زمینه «علی ربیعی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در دولت یازدهم و دوازدهم در یادداشتی با نقدا این ادعاها نوشت: با انتشار گزارش فصلی مرکز آمار درباره بازار کار، بحث در میزان اشتغال ایجاد شده در دوره دولت حاضر و راستی‌آزمایی مدعیات، شدت گرفته است. معتمد اشتغال بیش از آنکه امری برای سنجش تعداد شاغلین افزوده در یک دوره مشخص باشد، نماد کیفیت سیاست‌گذاری و حکمرانی در کشور است. به همین دلیل نیز نحوه مواجهه با کمیت شاغلین و بیکاران و حتی اعلام اعداد و ارقام مربوطه، بیانگر میزان دانش، عمق فهم و رویکرد نظام تدبیر به این مسأله است.

وی در ادامه نوشته است: سیاست‌گذاری اشتغال مانند هدایت قطاری است که گرچه در ایستگاه‌های مختلف افرادی را سوار و پیاده می‌کند و به تکرار می‌توانیم در باره تعداد مسافرن آن صحبت کنیم اما مهمتر، تعداد واگن‌ها و ظرفیت قطار است و مهمتر از آن نیز مسیر آن است. متأسفانه آنچه این روزها مورد تأکید است، بحث بر سر تعداد مسافرن با و به رخ کشیدن تعداد مسافرن با ارائه ترکیبی از استدلال‌های درست و نادرست و آمارسازی است. چنین استدلال‌هایی سیاست‌گذاران را از عمق موضوع و درک درست مسأله دور کرده و مانع از تحلیل‌های دقیق در مسیر سیاست‌گذاری صحیح شده است.

نظام تدبیر موفق باید ابتدا به مقصد، مسیر ریلی قطار و سپس به ظرفیت و تعداد واگن‌های آن بیندیشد و آنگاه بر تعداد مسافرن تمرکز کند. به نظر می‌رسد در بحث‌های اخیر که پیرو ارائه گزارش مکرر مقامات ارتش دولت شدت گرفته، تعداد کنشگری از منتقدین در یک چالش با یک نگاه سیاسی درباره تعداد مسافرن سوار یا پیاده شده از قطار و سرعت قطار اشتغال صحبت می‌کنند.

وجود چهار دوره اشتغال‌زایی در سال‌های ۷۶ به بعد

در ادامه این مطلب آمده: اجازه دهید تا کمی در مورد ظرفیت قطار اشتغال کشور با استفاده از داده‌های مرکز آمار صحبت کنیم. داده‌های بازار کار به صورت یکپارچه و فصلی توسط مرکز آمار ایران از سال ۱۳۷۶ گردآوری و در اختیار عموم قرار گرفته‌اند. براساس داده‌های مذکور از سال ۷۶ به بعد، کشور چهار دوره را پشت سر گذارده است:

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای کار: مجلس، طرح‌های تکران‌کننده‌ای در دستور کار دارد

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای کار از اعلام وصول طرح «فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه کار» ابراز نگرانی کرد. به گزارش ایلنا، حسین حبیبی در ارتباط با این طرح می‌گوید: این طرح به امضای ۲۵ نفر نماینده در مجلس رسیده که بعد از تصویب دستمزد غیرقانونی، در مجلس اعلام وصول شده است. به گفته وی، این طرح اگر بدون نظارت و با هدف پیشبرد منافع کارفرمایان تعقیب و تصویب شود، می‌تواند برای کارگران خطرناک باشد. حبیبی اضافه می‌کند: این طرح در نظر دارد در بازه زمانی ۱۱۵ سال اخیر، قوانین مربوط به حوزه کار را بررسی کند تا به قول خودشان قوانینی را که در این سال‌ها تصویب شده و نامعتبر یا نامعتمد است، تحت عنوان احکام نسخ‌شده از دور خارج کند. حال سؤال این است که این اعتبارسنجی با چه متر و معیاری صورت می‌پذیرد؟ این فعال کارگری با بیان اینکه «نگران حوزه گسترش طرح و شمول آن هستیم»، می‌گوید: یک نگرانی برجسته وجود دارد که می‌خواهند به این عنوان، بخش‌هایی از قوانین حمایتی کار یا تأمین اجتماعی را به اصطلاح اصلاح‌ولی در عمل از میان بردارند و کارگران را از چتر حمایت قانون کار خارج کنند. او در پایان تأکید می‌کند: کارگران باید نسبت به این نوع طرح‌های مثلاً اصلاحی هشیار باشند و اجازه دست‌اندری به حقوق قانونی و تاریخی خود را ندهند.

عضو کمیسیون اجتماعی: حمایت از کارگران نباید بک جانیه باشد

عضو هیات‌رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: افزایش حقوق کارگران نباید به نحوی باشد که کارفرمایان به ناچار به سمت تکنولوژی‌گرایی مطلق یا خروج سرمایه از این حوزه حرکت کنند. حسین حاتم‌ی در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت درباره اظهار نظر‌هایی مبنی بر اینکه افزایش ۲۱ درصدی حقوق کارگران به تشدید مشکلات معیشتی این قشر منتهی می‌شود، گفت: میزان حقوق و مزایای کارگران پاسخگوی نیاز زندگی این قشر نیست اما حمایت از جامعه کارگران نباید یک جانیه باشد و باید منافع اصلاح‌فعال در حوزه کسب و کار جمع شود. نماینده کلیبر در مجلس ادامه داد: اگر قرار باشد حقوق کارگران به نحوی افزایش داده شود که پرداخت آن از توان کارفرمایان خارج باشد، تلاش می‌کنند که به سمت تکنولوژی‌گرایی مطلق حرکت کرده یا کارگاه‌های خود را تعطیل کنند و سرمایه خود را به سمت سوداگری ببرند در نتیجه به کارگران آسیب خواهد رسید.

افزایش امنیت شغلی کارگران در دستور کار دولت است

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از دستور کار لایحه ارتقای امنیت شغلی کارگران در هیأت دولت خبر داد و گفت: اصلاح موادی از قانون کار می‌تواند به حل بخشی از دغدغه‌های کارگران منجر شود. به گزارش ایسنا، علی حسین رحمتی فرد در نشست هم‌اندیشی نمایندگان فراکسیون کارگری مجلس و اعضای احزاب حوزه کار و تولید با وزیر کار گفت: به منظور افزایش امنیت شغلی کارگران پس از دریافت نظرات همه طرفین لایحه‌ای به دولت ارائه شد که امیدواریم با همراهی نمایندگان مجلس نهایی شده و گامی در مسیر عدالت اجتماعی برداشته شود. به گفته وی اصلاح موادی از قانون کار می‌تواند به رفع بخشی از دغدغه‌های کارگران در این زمینه منجر شد.

دولت، صندوق‌های بازنشستگی را با ۱۰۰۰ همت کسری تحویل گرفت



وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به اینکه دولت سیزدهم، صندوق‌های بازنشستگی را با ۱۰۰۰ همت کسری تحویل گرفت، افزود: دولت به ارجحیت مصلحت کشور بر منفعت گروهی اعتقاد دارد و حذف ارز ترجیحی با همین سیاست دنبال شد. به گزارش ایلنا، صولت مرتضوی در نشست با فراکسیون کارگری مجلس تأکید کرد: تأمین منابع پایدار برای صندوق‌های بازنشستگی به صورت ویژه در دستور کار است. وی اظهار کرد: در پایان دولت قبیل افزایش هزینه‌ها و تعهدات بدون بدون پیش‌توانه منجر به کسری ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی صندوق‌های بازنشستگی شده بود. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، پرداخت بدهی تأمین اجتماعی به نظام بانکی را از مهم‌ترین اقدامات برای رفع ناترازی صندوق‌ها عنوان کرد و گفت: تأمین منابع پایدار برای صندوق‌های بازنشستگی به صورت ویژه در دستور کار است.

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای کار: مجلس، طرح‌های تکران‌کننده‌ای در دستور کار دارد

عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای کار از اعلام وصول طرح «فهرست قوانین و احکام نامعتبر در حوزه کار» ابراز نگرانی کرد. به گزارش ایلنا، حسین حبیبی در ارتباط با این طرح می‌گوید: این طرح به امضای ۲۵ نفر نماینده در مجلس رسیده که بعد از تصویب دستمزد غیرقانونی، در مجلس اعلام وصول شده است. به گفته وی، این طرح اگر بدون نظارت و با هدف پیشبرد منافع کارفرمایان تعقیب و تصویب شود، می‌تواند برای کارگران خطرناک باشد. حبیبی اضافه می‌کند: این طرح در نظر دارد در بازه زمانی ۱۱۵ سال اخیر، قوانین مربوط به حوزه کار را بررسی کند تا به قول خودشان قوانینی را که در این سال‌ها تصویب شده و نامعتبر یا نامعتمد است، تحت عنوان احکام نسخ‌شده از دور خارج کند. حال سؤال این است که این اعتبارسنجی با چه متر و معیاری صورت می‌پذیرد؟ این فعال کارگری با بیان اینکه «نگران حوزه گسترش طرح و شمول آن هستیم»، می‌گوید: یک نگرانی برجسته وجود دارد که می‌خواهند به این عنوان، بخش‌هایی از قوانین حمایتی کار یا تأمین اجتماعی را به اصطلاح اصلاح‌ولی در عمل از میان بردارند و کارگران را از چتر حمایت قانون کار خارج کنند. او در پایان تأکید می‌کند: کارگران باید نسبت به این نوع طرح‌های مثلاً اصلاحی هشیار باشند و اجازه دست‌اندری به حقوق قانونی و تاریخی خود را ندهند.



نرخ مشارکت اقتصادی بیانگر میزان مردمی شدن اقتصاد

ریبعی در پایان این مطلب نوشته است: پیشنهاد می‌کنم برای راضی کردن مقطعی مقامات بالادستی با پوشاندن بحران دستاورد (که در شأن کسی نیست)، بلکه برای حل واقعی مسائل با اتخاذ رویکرد صحیح و متناسب با شرایط کشور، به جای انحراف آذانهامان با تعداد مسافر سوار و پیاده شده و از قطار، به انتخاب بهینه مسیر ریل قطار توجه کنیم.

بیکاری و اشتغال، نیازمند رشد اقتصادی است زیرا ظرفیت بخش خدمات محدود بوده و شغل‌های باکیفیت و امنیت‌ساز صرفاً با توسعه در بخش‌های تولیدی و در سال‌های اخیر نیز در کسب و کارهای مجازی ممکن است. توجه به الزامات رشد از قبیل حل مسائل سیاست خارجی، ایجاد امید و فضای اطمینان بخش در داخل در کنار افزایش نرخ مشارکت و گشایش تمام ظرفیت‌ها از جمله پلتفرم‌ها ضروری است. واقعیت آن است که با شرایط فعلی بحث بر سر تعداد اشتغال ایجاد شده، دیگر کاربردی برای کشور ندارد چرا که امکان‌پذیری آن اساساً محل سؤال است. برای عبور از بحث‌های متعارف، پیشنهاد می‌شود عملکرد در حوزه اقتصاد و اشتغال را با شاخص مشارکت اقتصادی بسنجیم و براساس آن هدف‌گذاری کنیم. در این صورت از یک سو رشد اقتصادی لزوماً حاصل می‌شود و از سوی دیگر افزایش این نرخ نشان‌دهنده میزان مردمی شدن اقتصاد است. در عین حال افزایش نرخ مشارکت اقتصادی می‌تواند عبور مردم از یأس ناشی از پیدا کردن شغل و امید به یافتن شغل پایدار را هم نمایندگی کند.